خطر، سیاست دستوری کاهش نرخ ارز

شجاع الدینی، محمد رضا

محمدرضا شجاع‏الدینی‏ اگر با نگاهی اجمالی به اثر انتخاب مجدد آقای بوش‏ و تبعات سیاسی و اقتصادی این انتخاب بنگریم آنچه در یک هفته بعد از پیروزی او رخ داد یعنی استعفای جان‏ اشکرافت راست‏ترین فرد کابینه بوش،نشان از آن دارد که بوش به دنبال رادیکالیسم نخواهد بود.

معمار برنامه‏های انتخاباتی او آقای‏"رو"این بار موفق‏ شد رای مسیحیان را جمع‏آوری کند.اما قطعا آقای بوش‏ در ازای آرای جمع‏آوری شده چیزی فراتر از مخالفت با ازدواج هم‏جنس بازان و جلوگیری از تحقیقات ژنتیکی‏ به آنان نخواهد داد.همانطور که در انتخابات قبلی رای‏ مسلمانان را گرفتند و چیزی را آنها ندادند.به همین دلیل‏ باید منتظر حرکت بوش به سمت مرکز و میانه بود.در واقع چنان که پیداست جهانیان شاهد بوش میانه‏رو در دوره دوم ریاست جمهوری او خواهند بود؛بویژه با شکاف‏ عمیقی که در جامعه آمریکا بروز کرده است هم‏اکنون‏ پر کردن این شکاف برای او یک تکلیف ملی است و دو طرف باید پلی به سمت هم بزنند.از طرف دیگر با انتقادات دموکرات‏ها از بوش و اقبال جهانی برای انتخاب‏ کری؛رقیب انتخاباتی او نشان از آن دارد که آمریکا با انتخاب بوش،رهبری کامل خود در دنیای موسوم به آزاد را از دست داده است.در این شرایط طبیعی خواهد بود که‏ استراتژیست‏های آمریکایی برای بازیابی این رهبری‏ طرحی بیندیشند.برای اجرای چنین سیاستی بدون تردید رادیکالیسم چاره نخواهد بود و باید به سمت میانه‏روی‏ حرکت کنند.

بوش پدر به هنگام زمامداری نتوانست در تاریخ آمریکا میراثی سیاسی برای خانواده‏اش بر جای بگذارد.این‏ در حالی است که روسای جمهوری آمریکا،به طور معمول‏ می‏کوشند در دور دوم ریاست،اثری از خود باقی بگذارند. به نظر می‏رسد بوش پسر چنین وظیفه‏ای را بر خود فرض‏ می‏داند.به همین دلیل نیز باید میانه‏روی پیشه کند.

بهای نفت

اما در باره چشم‏انداز بهای نفت باید قدری محتاطانه‏ اظهارنظر کرد.چند نکته رعایت این احتیاط را توجیه‏ می‏کند: به هنگام سقوط صدام همگان پیش‏بینی می‏کردند قیمت‏ نفت کاهش خواهد یافت.اما چنین نشد.نشانه‏ها حاکی‏ است که آمریکا در پی ادامه یک جنگ فرسایشی در عراق‏ نیست.بلکه بیشتر مایل است با انجام یک انتخابات غائله‏ را ختم کند تا احتمالا هر چه زودتر نفت عراق وارد بازار شود و ممکن است که قیمت نفت روند صعودی پیش‏ نگیرد.در شرایط فعلی بازار نفت،چین که رشد اقتصادی‏ چند ساله را در کارنامه دارد،داوطلبانه برای کاهش رشد اقتصادی دست بکار شد.ضمن آنکه نفت گران بر اقتصاد چین و رشد آن حتما اثر منفی خواهد داشت.چین با افزایش نرخ‏های بهر سیاست کاهش رشد را در پیش‏ گرفته است.این امر احتمالا اثر منفی روی قیمت نفت‏ انتخاب بوش‏ تاثیری مثبت بر اقتصاد ایران دارد زیرا هر دو طرف ضرورت‏ تنش‏زدایی را دریافته‏اند خواهد داشت.با توجه به این موارد در خصوص نفت باید کمی با احتیاطتر سخن گفت.

این مکان وجود دارد که تقاضا برای نفت کاهش یابد. شاید در ظاهر بی‏ارتباط با انتخابات آمریکا به نظر برسد، ولی هم‏زمانی اعلام این سیاست با انتخاب بوش،که‏ سیاست عرضه را پیش می‏برد،عرضه نفت افزایش یافته و احتمالا با کاهش تقاضا و وجود نفت مازاد در بازار شاهد کاهش قیمت نفت باشیم.اگر عامل دیگری در کار نباشد، باورم این است اگر چه قیمت نفت به زیر 20 دلار نخواهد رفت.ولی در قیمت‏های بالای فعلی نیز باقی‏ نمی‏ماند.

تاثیر بر اقتصاد ایران

نباید انتظار داشت که آثار اقتصادی این تحولات بر اقتصاد ایران چون گذشته باشد.به نظر می‏رسد با وجود حساب ذخیره ارزی این درآمدها یعنی شوک عرضه و تقاضا بر اقتصاد ما اثر تخریبی گذاشته را نخواهد داشت. اما این به معنای نداشتن چالش‏های مربوط به اقتصاد نیست و نباید از آن غافل بود.سیاست‏های غلط ارزی‏ خواه ناخواه ما را با این چالش‏ها مواجه می‏کند.

سیاست‏های ارزی غلط در شرایط متغیر رابطه دلار با یورو،بر بخش صادرات و وارات ما اثر مستقیم خواهد داشت.اگر چه سیاست بانک مرکزی هدف‏گیری یک سبد ارزی است،ولی آنچه مهم است پیگیری امر در اجرا و پیاه‏کردن آن است.در مورد تغییرات بین‏المللی،وقتی‏ دلار نسبت به یورو تضعیف می‏شود،یورو گران‏تر خواهد شد.صادرات ایرانیان به منطقه یورو بیشتر می‏شود.و واردات ما به دلار بیشتر خواهد شد.باید به این‏ چالش‏های ارزی نیز توجه داشت و راه برخورد با آن نیز تبیین شود.خطر بزرگی که اقتصاد ما را تهدید می‏کند اقدام‏ دستوری کاهش نرخ ارز به استناد بالا بودن درآمدهای‏ نفتی و ذخائر کشور است.

اثر اقتصادی و سیاسی

اما با ابقاء آقای اسنو به عنوان وزیر خزانه‏داری(اقتصاد و دارایی)آمریکا(که گفته شده تنها کسی است که در کابینه‏ باقی خواهد ماند)،انتظار می‏رود در سیاست‏های‏ اقتصادی بوش تغییری صورت نگیرد.همچنین با اعمال‏ سیاست‏های مالیاتی برای ایجاد توازن،رشد اقتصادی‏ آمریکا سیر صعودی خواهد داشت و احتمالا خطری از جانب‏تر از پرداخت‏ها و کسری بودجه توجه اقتصاد این‏ کشور نخواهد شد.البته دولت آمریکا به سیاست تضعیف‏ دلار ادامه خواهد داد و در کوتاه مدت نمی‏توان انتظار تقویت دلار را در مقابل یورو وین ژاپن داشت.به ویژه از آن رو که وضعیت کنونی اقتصاد آسیا و اروپا را بیش از اقتصاد آمریکا تحت فشار قرار خواهد داد.این اوضاع طبعا بر وضع اقتصادی ما نیز موثر خواهد بود.آمریکا بعنوان‏ لوکوموتیو رشد اقتصادی دنیا همواره سایر کشورهای‏ جهان را از این رشد متاثر می‏کرده است ولی این بار نمی‏خواهد با هزینه آمریکا جهان رشد بکند.دیگران باید هزینه رشدشان را بپردازند.البته باید توجه داشت از یک سو گران شدن دلار تاثیر قیمتی در رشد تولیدات اروپا داشته و اثر منفی بر رشد اقتصادی آسیا و اروپا خواهد داشت و از سوی دیگر با افزایش تولید آمریکا اثر درآمدی بر اقتصاد این کشورها گذاشته و شاهد رشد اقتصادی خواهند بود زیرا بازار عمده کالاهای تولیدی‏ آنها آمریکا است.

نکته جالب اینکه این انتخاب در ایران هم رای مثبت‏ گرفت و شاهد آن افزایش شاخص در بورس تهران‏ است.دلایل این اقبال را اینگونه می‏توان بیان کرد که‏ حداقل با انتخاب بوش ابهامی در مورد سیاست‏های‏ آمریکا باقی نمی‏ماند.در حالیکه اگر رقیب او پیروز می‏شد چند ماهی طول می‏کشید تا ابهامات ایجاد شده به‏ واسطه تشکیل دولت جدید برطرف شود.ولی با انتخاب‏ بوش و آگاهی از اینکه سیاست‏ها تغییر نمی‏کند و بی‏تردید نه‏تنها تندتر نمی‏شود بلکه ملایم‏تر نیز خواهد بود،برای بخش خصوصی یک امیدواری به دنبال داشت‏ و نمود آن در بازار سهام مشاهده شد.از سوی دیگر افزایش قیمت نفت در کوتاه مدت به نفع ما خواهد بود. ولی اثر بلندمدت آن نیاز به تجزیه و تحلیل بیشتری دارد. در دور نخست آرای مسلمانان را جلب کردن و چیزی به آنها ندادند این بار آرای مسیحیان را جذب کردند و قطعا آنها نیز پاسخ چندانی نخواهند گرفت‏ در دهه 1970 زمانی که قیمت نفت افزایش یافت و بعضی از رهبران سیاسی ایران اظهار خوشحالی‏ می‏کردند،در همان زمان زکی‏یمانی وزیر نفت وقت‏ عربستان از این افزایش نگران بود و چنین می‏گفت: "افزایش قیمتها در بلندمدت،بر سرعت غرب دریافتند جانشین برای نفت می‏افزاید.در حالیکه ما روی منابع‏ عظیم از نفت نشسته‏ایم.نباید بگذاریم جانشین ارزانی‏ برای نفت پیدا شود."البته در افزایش فعلی،او پک‏ نقشی ندارد حتی قادر نیست که برای کاهش قیمت،نفت‏ بیشتری عرضه کند تا قیمت‏ها به سطح مناسب و موردنظر کاهش یابد.دلیل دیگر اثر مثبت انتخاب بوش بر اقتصاد ما این است که هر دو طرف به این نتیجه رسیده‏اند و یا بزودی‏ خواهند رسید که در رابطه دو کشور تنش‏زدایی شود.در واقع طی این سال‏ها دو کشور یکدیگر را محک زده‏اند از این پس باید"کاری‏"صورت بگیرد.از آنجا که سیاست‏ خارجی ما در سطح دولت‏ها نیست بلکه در سطح ملی‏ اتخاد تصمیم می‏شود بنابراین نباید انتظار داشت انتخابات‏ آتی در ایران تاثیر چندانی در این روند تنش‏زدایی‏ داشته باشد.به تعبیری شاید این موضوع مسیر تنش‏زدایی‏ را هموار کند و شاید هم با کوتاه آمدن از طرف مقابل این‏ اتفاق رخ دهد.به هر حال پاسخ ایران به موضوع انرژی‏ هسته‏ای میزان انعطاف را روشن می‏کند.

تأثیرپذیری اقتصاد از انتخاب مجدد بوش، ارتباط مستقیم با مواضع وی در دوم ریاست جموری دارد

بوش محافظه کار و رادیکال‏ یا بوش میانه‏رو

سهراب شهابی‏ انتخابات اخیر آمریکا را می‏توان از چند جنبه مورد توجه قرار داد:

در نگاه اول حضر نسبتا گسترده مردم آمریکا در انتخابات چشمگیر بود.به طوری که بیش از 56 درصد واجدین شرایط در روز رای‏گیری به پای صندوق‏ها رفتند.

نکته تأمل برانگیز دیگر،که نباید از آن چشم پوشید، اقبال ساکنان شهرهای بزرگ به کری در ایالاتی است که‏ بوش اکثریت آراء آن را کسب‏ کرد.ولی میزان آراء کری گواه‏ پیروزی بوش در شهرهای‏ کوچک،مناطق روستایی و ایالاتی است که از نظر اقتصادی‏ نسبتا عقب مانده‏تر هستند.

اما آنچه که همگان به آن‏ اذعان دارند محافظه کارتر شدن‏ آمریکایی‏هاا به ویژه افزایش‏ نقش مذهب و تاثیرگذاری آن در نتیجه انتخابات است.در انتخابات این دوره گروه‏های‏ مسیحی و مذهبی به نفع بوش‏ وارد صحنه شدند و نتیجه انتخابات را به نفع وی تغییر دادند.

به هر روی پرسشی که از ابتدای پیروزی بوش مطرح‏ شده،سمت و سوی سیاست خارجی آمریکا در دور دوم‏ ریاست اوست و آن اینکه آیا بوش در چهار سال آینده به‏ راست میانه،یعنی محافظه‏کاران میانه،نزدیک شده، مواضع او با دموکرات‏های محافظه کار قرابت بیشتری‏ خواهد یافت و یا همچنان در جناح راست محافظه‏کار و به نوعی رادیکال باقی خواهد ماند.

استعفای کاولین پاول و انتخاب خانم رایس و سپردن‏ سکان سیاست خارجی آمریکا به او مشخص کرد بوش‏ با ادامه امضای‏ قراردادهای دو جانبه‏ آمریکا در منطقه باید در انتظار حالتی‏ دو قطبی در اقتصاد منطقه خاورمیانه بود گام اول با ملایمت برنداشته است و بر خلاف ریگان، همتای سابق خود از حزب جمهوریخواه،که در دور دوم‏ مقدری به سمت جناح میانه حزب جمهوری‏خواه‏ حرکت کرد،دست کم در گام نخست پیوند مستحکم‏ خود را با جناح راست جمهوری‏خواهان حفظ خواهد کرد.البته این قرابت با مواضع جناح راست چندان عجیت‏ و دور از انتظار نیست:بالطبع بوش خواهد کوشید دست‏ کم در سال نخست،بر مواضعی‏ استوار بماند که بر اساس آن‏ها آرای آمریکاییان را به دست‏ آورد.

در مقابل برخی از کارشناسان‏ بر این باورند که با توجه به‏ فضای پدید آمده بر اثر انتخابات‏ که به بروز شکافی میان‏ آمریکاییان انجامید،بوش خواهد کوشید برای التیام بخشیدن به‏ شرایط موجود،به سمت جناح‏ میانه حرکت کند.آنچه این گونه‏ تحلیل‏ها را پیشتیبانی می‏کند، رفتار آمریکاییان و به ویژه این واقعیت است که بوش‏ آخرین دور زمانداری خود را سپری می‏کند و دیگر نگران انتخاب مجدد نیست.این آرامش خاطر بر رفتار رؤسای جمهوری در دور دوم و در واقع آخرین دور زمانداری‏شان تاثیرگذار است.با این زمینه می‏توان به‏ موضوعات زیر توجه کرد:

سیاست بین‏المللی

انتظار می‏رود بوش سیاستی را که در چهار سال‏ نخست ریاست جمهوری‏اش در جهان اعمال کرد، همچنان تداوم دهد.